

مسجد والدین: از خانه‌ای پرخطر تا سکون و سکوت

سید علی میریزدی، همسایه‌ای هشتادساله که در زمان حیات مرحوم خزاعی نژاد به این خانه رفت و آمد داشته است، می‌گوید: این خانه و زمین هم جوارش یک قطعه ششصد متری بود. پراز درخت و سرسبزی، و همیشه بساط چای و شربتش برقرار بود. او یاد آوری می‌کند که این دو خانه، زمانی محل سکونت دو برادر بوده است که در خانه‌های مجزا، اما متصل به یکدیگر زندگی می‌کردند. در آن زمان، دو خانواده با هم رابطه خویشاوندی دو جانبه داشتند، یعنی همسران دو برادر هم خویشاوند بودند.

هنوز هم جای درهایی که این دو خانه را به هم مرتبط می‌کرده در طبقه دوم مسجد باقی مانده است و خاطره‌ای از گذشته‌ای پررونق را زنده نگه می‌دارد. میریزدی تعریف می‌کند که مرحوم محمد خزاعی نژاد، از خادمان آستان قدس رضوی، تصمیم گرفت خانه‌اش را به یاد پدرش، حاجی ایوب و مادرش وقف مسجد کند. او می‌گوید: از زمانی که مرحوم تصمیم به وقف گرفت تا شش ماه هیچ تابلویی برای مسجد نصب نشده بود. اولین تابلو مسجد هم در سال ۱۳۸۰ طراحی و نصب شد. با این حال، تاریخچه وقف این خانه بی‌حاشیه نبوده است. اکنون برخی از بازماندگان مرحوم خزاعی نژاد، درباره این وقف و همچنین مغازه‌های هم جوار مسجد ادعاها و شکایت‌هایی را مطرح می‌کنند تا آنجا که برخی از اهالی قدیمی از خواندن نماز در اینجا با یاد آرند. اما همسایه‌های قدیمی به خوبی می‌دانند که مرحوم خزاعی نژاد از ته دل به این وقف رضایت داشته و آن را به عنوان اقدامی ماندگار به یاد پدرش انجام داده است.



می‌شود که این مسجد زمانی پررفت و آمد بوده است و آدم‌های سرشناسی چون مرحوم علی شمس‌قدری از یاران خراسانی رهبر معظم انقلاب و پدر و برادر شهید، سید جواد مصطفوی، از علمای معاصر مشهد و آیت... سید حسن صالحی معروف به میرزا حسن صالحی، پدر وزیر ارشاد فعلی، در آن رفت و آمد داشته‌اند. گذشته این مسجد پر از نقش آفرینی‌های تاریخی است. حجت الاسلام والمسلمین معصومی می‌گوید: پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مسجد والدین که هنوز مسکونی بود یکی از مراکز بود که بسیاری از بزرگان و چهره‌های انقلابی به آن رفت و آمد داشتند. مرحوم خزاعی نژاد خود فردی انقلابی و فعال بود. بسیاری از چهره‌های برجسته‌ای که می‌خواستند از دست ساواک پنهان شوند، به اینجا می‌آمدند.

مسجد، تعریف می‌کند: در میان صحبت‌های قدیمی‌ها این طور گفته می‌شود که د عانووسی حاج محمد گاهی آرامش اهالی و نمازگزاران را مختل می‌کرد. او در راهرویی که در قسمت زنانه مسجد بوده، می‌نشسته و برای مشتربانش نسخه می‌پیچیده است. آن قدر که خانم‌های محله از ترس آنچه از زبان او می‌شنیدند، رغبت نمی‌کردند به مسجد بیایند. در نهایت گویا مرحوم حاج علی شمس‌قدری به حاج محمد خزاعی نژاد زنگ می‌زند و بالاخره موفق می‌شوند او را راضی به رفتن از مسجد کنند. حجت الاسلام والمسلمین معصومی با حسرت درباره وضعیت کنونی این مکان دینی می‌گوید: والدین، مسجدی است که نه بانی دارد، نه مستغلاتی. مسجدی یتیم است که بیشتر وقت‌ها فقط برخی راننده‌ها برای نماز ظهر به اینجا می‌آیند. او یادآور

مسجد والدین: زندگی روزمره و قصه‌های ناگفته

مسجد والدین تنها یک مکان عبادی منزوی و آرام در گوشه‌ای از خیابان آیت... عبادی نیست. این مسجد کوچک و ساده، قصه‌های بسیاری را در گوشه و کنار خود نهفته دارد: داستان‌هایی که هر کدام گوشه‌ای از زندگی روزمره مردم محل را در برمی‌گیرد. یکی از این روایت‌ها، به حاج محمد ساسانی بازمی‌گردد: کسی که سال‌ها در راهرو این مسجد، گاری میوه فروشی خود را مستقر کرده بود. راهرو مسجد، تا نصفه با طبق‌های میوه پر می‌شد و مردم برای خرید به آنجا می‌آمدند. اما زندگی حاج محمد تنها به میوه فروشی ختم نمی‌شد؛ او به د عانووسی هم مشغول بود. حجت الاسلام والمسلمین معصومی، امام جماعت کنونی

خانه‌ای که پایگاه انقلاب بود

تاریخچه مسجد والدین تنها به وقف و سادگی بی‌پیرایه‌اش ختم نمی‌شود. این مکان، در روزگاری که هنوز یک خانه مسکونی بود، مأمن و محل رفت و آمد چهره‌های برجسته انقلابی و روحانیون بزرگ بوده است. حجت الاسلام والمسلمین محمد باقر فرزانه، امام جمعه موقت مشهد، نقل می‌کند که در بحبوحه اتفاقات انقلابی این خانه شاهد حضور افرادی همچون رهبر معظم انقلاب و شهید هاشمی نژاد بوده است. حجت الاسلام والمسلمین فرزانه می‌گوید: مرحوم خزاعی نژاد، واقف این مسجد، متدین، انقلابی و مورد اعتماد بود. منزل مرحوم که بعداً به مسجد والدین تبدیل شد، یقیناً محل رفت و آمد و اجتماع بزرگان انقلاب در مشهد بود. نزدیکی‌های پیروزی انقلاب چند نفر از آقایان ناگزیر بودند به لحاظ مسائل امنیتی در منازل افراد مختلفی، شب‌را صبح کنند و یکی از پاتوق‌های انقلابیون، منزل مرحوم خزاعی نژاد بود. منزل ایشان یکی از خانه‌های امن بود که حضرت آقا و بعضی از چهره‌های انقلابی مشهد از جمله شهید هاشمی نژاد هم آنجا حضور داشتند. خاطر هست مرحوم خزاعی نژاد بعد از وقف خانه ساکن احمدآباد شده بود.



مسجد والدین: تلخ و شیرین‌های یک میراث ماندگار

سید علی میریزدی، یکی از اهالی و کسبه قدیمی محل که از جریان نام‌گذاری مسجد مطلع است و واقف، مستقیم با او در این باره صحبت کرده، تعریف می‌کند: خانواده حاجی شب‌های جمعه، یک دیگ غذا درست می‌کردند و مراسم مختلف، از جمله ولادت امام رضا (ع) یا روز عاشورا مراسم برگزار می‌شد. حاج آقا و خانواده‌اش با مردم گرم و گیرا بودند و ارتباط صمیمانه‌ای داشتند. اما حالا این مسجد که زمانی خانه‌ای پررونق و پرمهر بود، به گفته میریزدی، سال‌هاست که «بی‌فروغ» شده است. دیگر از آن جمع‌های پرشور و رفت و آمد‌های صمیمانه خبری نیست. با این حال، این میراث ساده و ماندگار، خاطرات تلخ و شیرین بسیاری را در دل خود حفظ کرده است؛ از زخم‌هایی که در مسیر وقف بر آن وارد شد تا روزهایی که درهایش به روی همگان باز بود و هر گوشه‌اش، نشانی از سخاوت و گرمای حضور خانواده واقف داشت.

